

فصل چهارم

سبک‌شناسی قرن‌های ۱۰ و ۱۱ (سبک هندی)

درس دهم

پایه‌های آوایی همسان دو لختی

درس یازدهم

کنایه

درس دوازدهم

* کارگاه تحلیل فصل

درس دهم

سبک هندی

شعر

سبک هندی از اوایل قرن یازدهم تا اواسط قرن دوازدهم قمری به مدت ۱۵۰ سال در تاریخ ادبیات فارسی رواج داشت. حکومت صفوی به شعر مدحی و درباری و عاشقانه بهایی نمی داد و از طرف دیگر با آموزه های سنتی عرفانی نیز در تضاد بود؛ از این رو، شاعران به موضوع هایی مثل اندرز، مضمون آفرینی و باریک اندیشی روی آوردند و تبدیل موضوعات کهن به مضامین تازه و در حقیقت بازسازی اندرزها و تمثیل های کهن به شیوه های نو در میان شاعران رواج یافت. شعر از حوزه تصرف شاعران باسواد و آگاه به فنون ادب خارج شد و در دسترس عامه قرار گرفت و نزد پیشه وران و بازاریان رونق گرفت. این تحول از آن جهت که شعر را به میان عامه مردم برد و با مضمون ها و قلمروهای تازه ای روبه رو کرد، حرکت سودمندی بود؛ اما از آن رو که افراد کم اطلاع و عامی به شعر روی آوردند و آن را از استواری و سلامت پیشین خود دور ساختند، برای آینده ادبیات زبان بار بود.

ویژگی های شعر این دوره در سه قلمرو عبارت اند از:





۱. زبانی

الف) رو آوردن طبقات مختلف مردم - که عمدتاً آموخته‌های ادبی نداشتند - به عالم ادبیات، باعث شد که زبان کوچمه و بازار به شعر راه یابد و از این رهگذر روح تازه‌ای در زبان شعر دمیده شد.

ب) دایرهٔ واژگان شعر گسترش یافت و بسیاری از لغات ادبی قدیم از صحنهٔ شعر رخت برپست؛ به نحوی که می‌توان گفت زبان شعر سبک هندی، زبان جدید فارسی است و دیگر از مختصات زبان قدیم مخصوصاً سبک خراسانی در آن خبری نیست.

یکی از دلایل حذف مختصات سبکی زبان قدیم در آثار این دوره، حملات پی‌درپی بیگانگان (مغولان، تیموریان و ازبکان) به ایران، مخصوصاً نواحی مشرق بود که به نابودی کتابخانه‌ها و از بین رفتن آثار کهن منجر شد و فضلا دیگر با کتب قدیم و در نتیجه با زبان قدیم مانوس نبودند.

دومین دلیل حذف مختصات سبکی قدیم، تغییر جغرافیایی حوزه‌های شعری در نقاط مختلف ایران و تأثیر پذیرفتن از زبان‌های نواحی گوناگون بود؛ حتی شاعرانی از قبیل صائب هم که در اشعار قدما تتبع بسیار داشتند، از به کار بردن زبان قدیم پرهیز می‌کردند؛ چرا که شعر از مدرسه به بازار آمده بود و زبان رایج مرسوم، همان زبان مردم عصر بود و بنابراین به کار نگرفتن زبان شعری قدما را نباید دلیل بی‌فضلی برخی از شاعران بزرگ سبک هندی محسوب کرد. در این سبک لغاتی چون نزاکت، قالی، شیشه، پل، بخیه، سفال و... را که تا این زمان کمتر در شعر راه داشت، رواج یافته بود.

پ) یکی دیگر از نکات قابل توجه در زبان شعر این دوره ورود لغات مربوط به مذاهب و آداب و رسوم هندوان در حوزهٔ شعر و ادب است.

ت) در این دوره از یک سو با از بین رفتن سلطهٔ حکومت بغداد بر ایران، کاربرد لغات عربی کم شد و از سوی دیگر حملات تیموریان و ازبکان، به رواج لغات ترکی و ضعف زبان فارسی منجر گردید؛ به خصوص که سلاطین صفوی هم در دربار به ترکی سخن می‌گفتند.



ث زبان سبک هندی را باید زبانی واقع‌گرا قلمداد کرد؛ زیرا زبان حقیقی مردم آن دوره بوده است.

در مجموع می‌توان گفت بی‌توجهی به زبان، بی‌دقتی در کاربرد جمله‌ها و ترکیب‌ها و ورود واژه‌های عامیانه در شعر این دوره کاملاً مشهود است.

۲. ادبی

الف در سبک هندی به دلیل کم‌توجهی شاعران کوچک و بازار به آرایه‌های ادبی، به بدیع و بیان جز به صورت طبیعی و تصادفی کمتر استفاده شده است. البته در شعر برخی از شاعران شاخص این دوره استفاده از آرایه‌های ادبی از جمله تشبیه بسیار رواج دارد. تلمیح نیز در مضمون‌سازی نقش فعالی دارد؛ (البته تلمیحات رایج نه تلمیحات غریب و نادر). حسن تعلیل، حس آمیزی، تمثیل و اسلوب معادله نیز از دیگر آرایه‌های پرکاربرد این سبک‌اند.

ب قالب مسلط در این دوره به ظاهر غزل است؛ اما غزلی که گاهی به ۴۰ بیت هم می‌رسد و تکرار قافیه در آن امری طبیعی است. سببش آن است که در حقیقت شاعر سبک هندی، تک‌بیت‌گو است؛ یعنی قالب حقیقی شعرش مفردات است. منتها شاعر این ابیات مستقل را به وسیله رشته قافیه و ردیف به هم گره می‌زند. شاعر تک‌بیتی می‌سازد و آن را در غزلی که مناسب آن بیت باشد، قرار می‌دهد و از این رو کم و زیاد کردن ابیات غزل، آسبیبی به شعر نمی‌زند.

پ استفاده از ردیف‌های طولانی و خوش‌آهنگ نیز در شعر این دوره رایج است؛ برای مثال: خواهیم شدن، می‌شود پیدا، می‌برد مرا، دیگر است و ...

۳. فکری

الف شعر هندی شعری معنی‌گراست؛ نه صورت‌گرا و شاعران به معنی بیشتر توجه

دارند تا به زبان. معروف است که هیچ معنا و مضمونی در جهان نیست که در شعر صائب نیامده باشد. او از گل قالی، تندباد و تبخال مضمون ساخته است. شاعران این دوره به دنبال مضمون سازی از هر چیزی در عالم طبیعت یا در ذهن استفاده کردند؛ اما اینها همه در سطح اند و به خلق آثار معنایی بزرگی چون شاهنامه فردوسی و مثنوی مولانا یا آثار عطار و سنایی و نظامی منجر نشده اند.

ب) شعر در سبک هندی بیشتر در تک بیت خلاصه است و طول و عرض معنا از یک بیت پیش تر نمی رود و نهایت اینکه تحسین و اعجابی را در حد آن بیت برمی انگیزد.

پ) کار شاعران سبک هندی ترجمه مطالب فلسفی و عرفانی و غنایی گذشتگان به بیان سبک هندی بود و گاهی آن را با وجود داشتن ابهام، قابل درک تر و خلاصه تر بیان کرده است. کوشش شاعر سبک هندی مضمون یابی و ارائه خیال خاص و معنی برجسته است؛ یعنی یافتن فکری جزئی اما تازه و نگفته، و بیان آن به صورتی اعجاب انگیز.

نثر دوره هندی

نثر کتاب های این دوره سه نوع است:

۱ ساده

مراد از نثر ساده در این دوره نثر مرسلی نیست که امثال بلعمی می نوشته اند. در نثر ساده این دوره لغات و ترکیبات عربی و اشاره به آیات و احادیث و در آمیختگی شعر و نثر کم نیست. کتب معروفی که به این شیوه نوشته شده اند:

الف) کتاب هایی که در خارج از ایران نوشته شده اند:

- کتب داراشکوه در هند
- شرفنامه بدلیسی در عثمانی
- بدایع الوقایع در ماوراءالنهر



ب) کتاب‌هایی که در ایران نوشته شده‌اند:

در تاریخ:

- تذکره شاه طهماسب از شاه طهماسب صفوی؛
- عالم آرای صفوی از اسکندر بیگ منشی؛

در عرفان:

- عین الحیات از علی بن حسین واعظ کاشفی؛

در زندگی‌نامه:

- هفت اقلیم از امین احمد رازی؛
- مجالس المؤمنین از قاضی نورالله شوشتری؛

در فقه:

- جامع عباسی از شیخ بهایی.

۲ مصنوع

در دوره صفویه از نثر مصنوع در فرمان‌ها و منشآت و دیباچه کتاب‌ها استفاده می‌شد؛ همچنان‌که دیباچه آثاری مثل شرفنامه بدلیسی و عیار دانش به نثر مصنوع است؛ اما از کتبی که تماماً به این شیوه نوشته شده‌اند از همه معروف‌تر عباس‌نامه وحید قزوینی و محبوب‌القلوب میرزا برخوردار فراهی است.

نثر مصنوع این دوره حلاوت و فخامت نثر فنی قرن‌های ششم و هفتم را ندارد و هر چه هست، تکلف و بی‌ذوقی و غلط‌پردازی است.

۳ بینابین

نثری است نه چندان ساده و نه چندان دشوار؛ می‌توان گفت که قصد نویسنده در اصل آسان‌نویسی بوده است؛ هر چند امروزه چندان روان و آسان به نظر نمی‌رسد. از نمونه‌های معروف نثر بینابین کتاب حبیب‌السیر از خواندمیر و احسن‌التواریخ از حسن بیگ روملو است.





ویژگی‌های نثر این دوره

برخی از ویژگی‌هایی که کم و بیش در هر سه نوع نثر این دوره وجود دارد، عبارت‌اند از:

الف) قلمرو زبانی

- ۱ در آمیختگی نظم و نثر؛
- ۲ کاربرد وجه وصفی؛
- ۳ جمع بستن با «ات» هم در کلمات عربی (محاربات)، هم در فارسی (گیلان‌ات) و هم در ترکی و مغولی (بیلاقات)؛
- ۴ مطابقت صفت و موصوف به تقلید از عربی؛
- ۵ آوردن تتابع اضافات در مقام تعارف و تمجید از بزرگان یا به سبب قرینه‌پردازی و موازنه؛
- ۶ آوردن جملات طولانی؛
- ۷ کاربرد افعال با پیشوندهای متعدّد؛
- ۸ فراوانی لغات ترکی و مغولی.

ب) ادبی

نثر این دوره از دیدگاه ادبی ارزش والایی ندارد؛ زیرا به زبان عامیانه نزدیک است و اگر بخواهند متنی ادبی بنویسند، تصنعی و باتکلف خواهد بود. انحطاط ادبی در این زمان از دوره تیموری هم بیشتر شده است. استفاده از آیات، احادیث و عبارات عربی رواج بیشتر یافت و در آرایه تلمیح نمودار شد و ضرب‌المثل‌های شیرین فارسی به عبارات عربی مکرر و بی‌روح بدل گردید.

کاربرد شعرهای ضعیف در متن کتاب‌های نثر - که غالباً سروده خود مؤلفان است - رواج داشت، به علاوه بی‌دقتی در ذکر تاریخ و حوادث تاریخی و رواج مدح و چاپلوسی، نثر این دوره را از رونق انداخت. آمیزش زبان فارسی با دیگر زبان‌ها (مغولی، ترکی، عربی و...) نگارش کتاب‌هایی با عنوان فرهنگ لغت را در این دوره رواج داد.



پ) فکری

تأثیر فساد و تیره‌بختی چند قرن گذشته و کشتار مردم و فرار دسته‌جمعی افراد باذوق و آزاده از بیم تیغ استبداد، به خارج از ایران و کشته‌شدن یا مردن آنان از گرسنگی و فقر، همه اینها بیانگر آن است که در عصر اعتلای صفوی؛ یعنی زمان شاه عباس اول، ایران از نویسنده قوی دست خالی ماند.

خودارزیایی

۱ ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری سروده زیر را استخراج کنید:

روزگاری شد ز چشم اعتبار افتاده‌ام	چون نگاه آشنا از چشم یار افتاده‌ام
دست‌رغبت کس نمی‌سازد به سوی من دراز	چون گل پژمرده بر روی مزار افتاده‌ام
اختیارم نیست چون گرداب در سرگشتگی	نبض موجهم، در تپیدن بی قرار افتاده‌ام
عقد‌های هرگز نکردم باز از کار کسی	در چمن بیکار چون دست چنار افتاده‌ام
همچو گوهر گردلم از سنگ گردد دور نیست	دور از مژگان ابر نوبهار افتاده‌ام

صائب تبریزی

قلمرو زبانی	قلمرو ادبی	قلمرو فکری

۲ بیت‌های زیر را از نظر ویژگی ادبی بررسی کنید.

الف) ای گل که موج‌خنده‌ات از سر گذشته‌است آماده باش گریه تلخ گلاب را

صائب تبریزی



ب) به یک کرشمه که در کار آسمان کردی هنوز می‌پرد از شوق چشم کوب‌ها

صائب تبریزی

۳ سبک نثر دوره هندی را با نثر دوره عراقی از نظر زبانی تحلیل کنید.

۴ در مورد دلیل نگارش کتاب‌های لغت‌نامه در دوره هندی تحلیل کنید.

۵ بیت زیر را از نظر زیبایی‌شناسی تحلیل کنید:

ز منجنیق فلک سنگ فتنه می‌بارد پیوند روح کردی پیغام دوست دادی

عرفی شیرازی

۶ وزن بیت زیر را بررسی کنید:

تو این عهدی که با من بسته بودی مگر بهر شکستن بسته بودی

طالب آملی

۷ متن زیر را از کتاب تاریخ عالم آرای عباسی از نظر ویژگی‌های سبک هندی " زبانی و ادبی " بررسی نمایید.

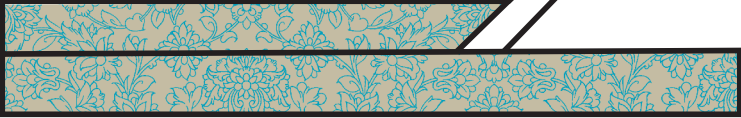
از طبقه‌علیه شعرا که ناظران مناظم سخن‌پیرایی و پیرانه‌بندان سلسله معنی آرای اند در آن هنگام در اردوی معلا و ممالک محروسه، شاعران سخنور و سخنوران بلاغت گستر بی‌شمار بودند در اوایل حال حضرت خاقانی جنت مکانی توجه تمام به حال این طبقه بود.

اسکندر بیگ ترکمان



درس یازدهم

پایه آوریمس زودتی



در درس‌های گذشته با اوزان همسان، که از تکرار یک پایه آوایی، ایجاد می‌شد، آشنا شده‌ایم. اکنون با گونه‌ای دیگر از وزن‌های همسان، آشنا می‌شویم:

به آهنگ خوانش شعر زیر، توجه کنید:

ای باد بامدادی، خوش می‌روی به شادی پیوند روح کردی، پیغام دوست دادی

ای بادِ	بام دادی	خُش می ز	وی به شادی
پیوندِ	روح کردی	پیغامِ	دوست دادی





می بینیم که نظم همسان پایه‌های این بیت، دو لختی است، یعنی دو واژه با هم، پایهٔ آوایی و «وزن واژه» به شمار می‌آیند. به بیان دیگر، وزن این شعر از تکرار یک پایهٔ همسان، حاصل نشده است، بلکه یک پایه، یک درمیان تکرار شده است. در اینجا هر مصراع، به دو پاره، تقسیم می‌شود. موسیقی و آهنگ پارهٔ دوم، تکرار همان موسیقی پارهٔ نخست است. این نوع وزن، وزن همسان دولختی یا «دوری» نامیده می‌شود. در این وزن، میانهٔ هر مصراع با درنگ و مکثی آشکار، همراه است. در خوانش هم این گسست آوایی باید رعایت شود.

برای درک بهتر نظم پایه‌های همسان دولختی، وزن واژه‌ها و خوشه‌های هجایی بیت را نشان می‌دهیم.

ای با دِ	با م دا دی	خُش می رَ	وی بِ شا دی	پایه‌های آوایی
پی وَن دِ	روح کَر دی	پیدِ غا مِ	دو ست دا دی	
مفعولُ	فاعلاتن	مفعولُ	فاعلاتن	وزن واژه
U _ _	_ _ U _	U _ _	_ _ U _	خوشه‌های هجایی

این شعر، چهار پایهٔ آوایی دارد. هر مصراع آن از دو پارهٔ همسان تشکیل شده است. اگر هجاهای این شعر را به دسته‌های (سه تایی یا چهار تایی) تقسیم کنیم نظم و آهنگ آن از دست می‌رود.

توجه:

این وزن، برپایهٔ برش هجایی «دستهٔ سه تایی — چهار تایی»، به دست آمده، اگر هجاها را به شیوهٔ چهار تایی — سه تایی، دسته‌بندی کنیم، وزن واژهٔ «مستفعلن فعولن» به دست می‌آید.

در نظم همسان دولختی، هر مصراع از دو پارهٔ همگون تشکیل می‌شود. در این نوع

وزن، هر مصراع در حکم یک بیت است. هجای پایان نیم مصراع، تابع قوانین هجای پایان مصراع است. بنابراین هجای کوتاه یا کشیده در پایان نیم مصراع، هجای بلند به شمار می آید.

به نظم هجاهای بیت زیر توجه کنید:

سلسله موی دوست، حلقه دام بلاست

هر که در این حلقه نیست، فارغ از این ماجراست

سعدی

سِلِ سِلِ یِ	موی دوست	حَلَقِ یِ دَا	مِ بَ لَاسْت
هَرِ کِ دَرِین	حَلَقِ نِیْسْت	فَارِغَ زَیْن	مَآ جَ رَاسْت

می بینیم که هجای پایان نیم مصراع، «دوست» و «نیست»، هجای کشیده است، اما در این شعر به صورت یک هجای بلند محسوب می شود.

اکنون که پایه های آوایی این شعر را درک کرده ایم، آن را یک بار دیگر، با وزن واژه ها و خوشه های هجایی، نشان می دهیم:

سِلِ سِلِ یِ	موی دوست	حَلَقِ یِ دَا	مِ بَ لَاسْت	پایه های آوایی
هَرِ کِ دَرِین	حَلَقِ نِیْسْت	فَارِغَ زَیْن	مَآ جَ رَاسْت	
مفتعلن	فاعِلن	مفتعلن	فاعِلن	وزن واژه
- U U -	- U -	- U U -	- U -	خوشه های هجایی

وزن واژه این بیت، «مفتعلن فاعِلن // مفتعلن فاعِلن» است.



به نمونه‌ای دیگر توجه کنید:

هان ای دل عبرت بین، از دیده عبرکن هان ایوان مداین راه، آیینۀ عبرت دان

خاقانی

هانِی دِ	لِ عِبْرَتِ بَیْنِ	اَز دِی دِ	عِ بَر کُنْ هان
ای و انِ	مَد اِیْنِ رَا	اَیْبِنِ	یِ عِبْرَتِ دَان

پایه‌های آوایی این شعر نیز از ارکان دولختی (متناوب) تشکیل شده است. همین بیت را با وزن واژه‌ها و خوشه‌های آوایی نشان می‌دهیم:

پایه‌های آوایی	هانِی دِ	لِ عِبْرَتِ بَیْنِ	اَز دِی دِ	عِ بَر کُنْ هان
وزن واژه	مفعولُ	مفاعیلن	مفعولُ	مفاعیلن
خوشه‌های هجایی	U --	--- U	U --	--- U

آهنگ این شعر نیز از دو پایه، تشکیل شده است؛ پایه دوم تکرار پایه نخست است. به بیان دیگر وزن این شعر از تکرار دو پایه متفاوت، به صورت دو بار در هر مصراع تشکیل شده است. «وزن واژه» این بیت، دوبار «مفعولُ مفاعیلن» در هر مصراع است، که وزن همسان دو لختی (دوری) به شمار می‌آید.

توجه:

این وزن، برپایه برش هجایی دستۀ «سه تایی — چهارتایی» به دست آمده، اگر هجاها را به شیوۀ «چهارتایی — سه تایی»، دسته‌بندی کنیم، وزن «مستفعلُ مفعولن» به دست می‌آید.



در این دسته از وزن‌ها، دو لَخت با هم یک واحد موسیقایی یا وزن واژه به شمار می‌آیند؛ یعنی در اینجا هر مصراع چونان دو کفه ترازو است که باید واحد موسیقایی هم‌سنگی داشته باشد.

آرایش پایه‌ها در اوزان همسان تک پایه‌ای و دولختی را، می‌توان به گونه زیر نشان داد:

همسان تک پایه ای: الف الف الف الف = □□□□

همسان دولختی: الف ب // الف ب = □△ // □△

افزون بر این وزن‌ها، در شعر فارسی وزن‌های همسان دولختی دیگری وجود دارد که در دوره‌های تحصیلی بالاتر با آن آشنا خواهید شد. مانند بیت زیر:

تادل هرزه گردمن رفت به چین زلف او زان سفر دراز خود عزم وطن نمی‌کند

حافظ

وزن واژه بیت زیر «مفتعلن مفاعلن» است:

پایه‌های آوایی	تا دِ لِهَر	زِ گَرِ دِمَن	رَفَتِ بِ چِی	نِ زُ لِفِ او
وزن واژه	مفتعلن	مفاعلن	مفتعلن	مفاعلن
خوشه‌های هجایی	-UU-	-U-U	-UU-	-U-U
	زان سَفَرِ	دِ را زِ خُد	عَزَمِ وَ طَن	نِ مِی کُنَد

خودارزیابی

۱ کدام یک از بیت‌های زیر، دارای نظم همسان دولختی است؟ پس از تعیین پایه‌های آوایی هریک، وزن واژه‌های آن را بنویسید:





(الف) یک عمر دور و تنها، تنها به جرم اینکه

او سرسپرده می‌خواست، من دل سپرده بودم

بهمنی

(ب) درودی چو نور دل پارسایان بدان شمع خلوتگه پارسایی

حافظ

۲ در نمونه‌های زیر، بیت‌هایی را که وزن همسان دولختی دارند، مشخص کنید:

(الف) الفبای درد از لبم می‌تراود نه شبنم که خون از لبم می‌تراود

قیصر امین پور

(ب) آیینۀ سکندر، جام می‌است بنگر تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا

حافظ

(پ) ای صبح شب نشینان جانم به طاقت آمد

از بس که دیر ماندی چون شام روزه داران

سعدی

(ت) چو دل بر نهی بر سرای کهن کند ناز و ز تو بپوشد سخن

فردوسی

۳ پایه‌های آوایی بیت‌های زیر را مشخص کنید و با ذکر دلیل بنویسید که چرا ابیات

زیر دارای وزن همسان دولختی هستند؟

(الف) باغ سلام می‌کند، سرو قیام می‌کند سبزه پیاده می‌رود، غنچه سوار می‌رسد

مولوی

(ب) ای صاحب کرامت، شکرانۀ سلامت روزی تفقدی کن درویش بینوا را

حافظ

۴ بیت زیر را بخوانید و مطابق جدول زیر، پایه‌های آوایی، وزن واژه و خوشه‌های هجایی آن را بنویسید.

ای دوست شکر خوشتر یا آن که شکر سازد؟
ای دوست قمر خوشتر، یا آن که قمر سازد؟

مولوی

				پایه‌های آوایی
				وزن واژه
				خوشه‌های هجایی

۵ برای هر کدام از موارد زیر از خودارزیابی‌های بالا نمونه‌ای بیابید و بنویسید:

(الف) مجاز:

(ب) استعاره:

(پ) تشبیه:

۶ بیت خودارزیابی ۴ را از نظر فکری تحلیل کنید.



درس دوازدهم

کنایه

کنایه هم گونه‌ای از مجاز است که بر بنیاد اصل مجاورت استوار است. همان‌طور که استعاره بر بنیاد مشابهت استوار بود، در کنایه هم معنای قاموسی و واژگانی عبارت (معنای نزدیک) و هم معنای مجازی (معنای دور) با هم به ذهن خواننده می‌آیند؛ اما خواست گوینده معنای دور است و آن را با تأمل در اجزای کلام و بافت سخن می‌توان دریافت. به عبارتی در کنایه معنای نزدیک و دور لازم و ملزوم یکدیگر هستند و با دقت در اجزای کلام، از معنای نزدیک به معنای دور منتقل می‌شویم.

کنایه در لغت، یعنی «پوشیده سخن گفتن» و در اصطلاح، واژه یا عبارتی است که معنای ظاهری و نزدیک آن، مورد نظر گوینده نیست؛ بلکه مفهوم دور آن مدنظر است؛ مثال:

وقتی می‌گوییم «فلانی دست به جیب است» سخنی به کنایه گفته‌ایم و منظورمان این است که او مرد خیر و بخشنده‌ای است و صرفاً هدف ما این نیست که بگوییم او دست به جیب می‌برد.

به این بیت توجه کنید:

همّت مردانه می خواهد گذشتن از جهان یوسفی باید که بازار زلیخا بشکند

صائب

ذهن ما در عبارت «بازار شکستن» با توجه به واژگان و اصطلاحات به کاررفته در بیت مثل یوسف، گذشتن از دنیا و داشتن همّت مردانه، به معنای دور آن یعنی «بی رونق کردن» راهنمایی می شود.

چند مثال دیگر:

● سخن او بر سر زبان ها افتاد.

● زاغی از آنجا که فراغی گزید رخت خود از باغ به راغی کشید

جامی

● اکنون همچنین علمای زمان در علوم موی می شکافند.

فیه مافیه مولوی

● بر سر زبان افتادن کنایه از «فاش شدن»، رخت کشیدن کنایه از «کوچ کردن» و «موی شکافتن» به معنای دقت کردن و ریزینی است.

دامن کشان که می روی امروز بر زمین فردا غبار کالبدت بر هوا رود

سعدی

دامن کشان بر زمین راه رفتن، کنایه از «ناز و غرور داشتن» است. مصراع دوم نیز، کنایه از «مردن» است.

فرق کنایه با مجاز

در مجاز، فقط یکی از دو معنی، قابل دریافت است آن هم معنی غیر حقیقی، اما در کنایه، هر دو معنی دور و نزدیک دریافت می شود؛ ولی معنی دور اراده شده است. برای





مثال وقتی در بیان خسیس بودن کسی می‌گوییم: آب از دستش نمی‌چکد، هم معنای نریختن آب از دست دریافت می‌شود، هم معنای دوم یعنی خسیس بودن؛ اما معنای دوم مورد نظر شاعر است.

فرق استعاره و کنایه

معمولاً استعاره در «واژه» و کنایه در «ساختار کلام»، روی می‌دهد؛ مثال:

به خون خود آغشته و رفته‌اند چه گل‌های رنگین به جوبارها

علامه طباطبایی

در این بیت گل‌ها استعاره از شهیدان است؛

اما در بیت:

دامن هر گل مگیر و گرد هر بلبل مگرد طالب حسن غریب و معنی بیگانه باش

صائب

عبارت‌های: «دامن چیزی را گرفتن» و «گرد چیزی گردیدن» کنایه هستند و در بافت کلام و عبارت آمده‌اند.

چند کنایه دیگر:

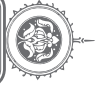
دسته گل به آب دادن، کنایه از «اشتباه بزرگ کردن»

دست و پا گم کردن، کنایه از «دچار نگرانی شدن، هول شدن»

تنگدست بودن، کنایه از «فقیر بودن»

ثابت قدم بودن، کنایه از «با اراده بودن»





خود ارزیابی

۱ کنایه‌ها را در مثال‌های زیر بیابید.

الف) عاقل چون خلاف اندر میان آید، بجهد و چون صلح بیند، لنگر بنهد.

گلستان سعدی

ب) ای پای به گل فرو شده، ای خسته تیر بلا، همه ما را خوانید؛ گرد در ما گردید.

کشف‌الاسرار میبدی

پ) دل‌ها اگر چه صاف، ولی از هراس سنگ آینه بود میل تماشا شدن نداشت

سلمان هراتی

ت) بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک بگفت آنگه که باشم خفته در خاک

نظامی

ث) در هر طرف ز خیل حوادث کمین گهی است زان رو عنان گسسته دواند سوار عمر

حافظ

ج) به کس مگوی که پایم به سنگ عشق برآمد که عیب گیرد و گوید چرا به فرق نپویی

سعدی

۲ مفهوم کنایی عبارت‌های زیر را مشخص کنید:

الف) چنین است رسم سرای درشت گهی پشت بر زین، گهی زین به پشت

فردوسی

ب) از مکافات عمل غافل مشو گندم از گندم بروید جو ز جو

مولوی

پ) نقشی بر آب می‌زنم از گریه حالیا تا کی شود قرین حقیقت، مجاز من

حافظ





ت) قمری ریخته بالم به پناه که روم؟ تا به کی سرکشی ای سرو خرامان از من؟

کلیم همدانی

۳ در نمونه‌های زیر کنایه‌ها را بیابید و مفهوم آنها را توضیح دهید.

الف) پیش دیوار آنچه گویی هوشدار تا نباشد در پس دیوار گوش

سعدی

ب) بس بگردید و بگردد روزگار دل به دنیا در نبندد هوشیار

سعدی

پ) عشق دریایی کرانه ناپدید کی توان کردن شنا، ای هوشمند!

رابعه بنت کعب

ت) از در درآمدی و من از خود به در شدم گویی کزین جهان به جهان دگر شدم

سعدی

ث) الهی پیشانی بر خاک نهادن آسان است؛ دل از خاک بر داشتن دشوار است.

حسن زاده آملی

ج) در سلطان و شه را روزها بیهوده کوید دگر در کوی شاه خود کنم خاکی به سر امشب

محو

۴ ویژگی‌های زبانی و فکری مثال‌های خودارزیابی ۲ را بررسی کنید.

۵ وزن بیت زیر را بیابید:

زنده به بوی توام، بوی ز من وا مگیر تشنه روی توام، باز مدار از من آب

عراقی

تفصیل کارگاه میل

۱ دو غزل زیر را بخوانید و پرسش‌ها را پاسخ دهید:

مرا تو غایت مقصودی از جهان ای دوست
چنان به دام تو الفت گرفت مرغ دلم
گرم تو در نگشایی کجا توانم رفت
مرا رضای تو باید، نه زندگانی خویش
که گفت سعدی از آسیب عشق بگریز
به راستان که بمیرم بر آستان ای دوست
جواب تلخ بدیع است از آن دهان ای دوست
به دوستی که غلطمی بردگمان ای دوست

سعدی

ای دفتر حسن تو را فهرست، خط و خال‌ها

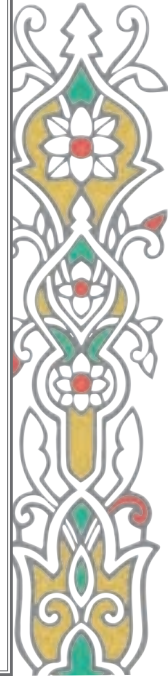
تفصیل‌ها پنهان شده در پردهٔ اجمال‌ها

آتش فروز قهر تو، آینه‌دار لطف تو

هم مغرب ادبارها، هم مشرق اقبال‌ها

پیشانی عفو تو را پرچین نسازد جرم ما

آینه کی بر هم خورد از زشتی تمثال‌ها



با عقل گشتم همسفر یک کوچه راه، از بی کسی
شد ریشه ریشه دامنم از خار استدلالها
هر شب کواکب کم کنند از روزی ما پاره‌ای
هر روز گردد تنگ‌تر سوراخ این غربالها
هر چند صائب، می روم سامان نومیدی کنم
زلفش به دستم می دهد سررشته آمالها

صائب تبریزی

(الف) وزن هر دو غزل را بیابید.

(ب) دو غزل را از نظر قلمرو زبانی و فکری مقایسه و تحلیل کنید.

(پ) دو غزل را از دیدگاه زیبایی شناسی تحلیل نمایید.

۲ در ابیات و عبارات زیر تشبیه را مشخص کنید و ارکان تشبیهات فشرده را بنویسید:

(الف) کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی

قیصر امین پور

(ب) پس از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم بارید و خاک را گل کرد و به ید قدرت در
گل از گل دل کرد.

مرصاد العباد

(پ) پروردگارا روا مدار در ظلمات جهل و ضلال از چراغ هدایت به دور افتم.

صحیفه سجاده

(ت) مه طاسک گردن سمندت شب طره پرچم سیاهت

چرخ ار چه رفیع، خاک پایت عقل ار چه بزرگ طفل راهت

جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی

(ث) دریای شورانگیز چشمان تو زیباست آنجا که باید دل به دریا زد، همین جاست

حسین منزوی



۳ مجاز را در بیت‌های زیر مشخص کنید:

(الف) عالم از شور و شر عشق مبادا خالی فتنه انگیز جهان نرگس جادوی تو بود

حافظ

(ب) دیدی که خون ناحق پروانه شمع را چندان امان نداد که شب را سحر کند

شقایق اصفهانی

(پ) از تو به که نالم که دگر داور نیست وز دست تو هیچ دست بالاتر نیست

سعدی

۴ در ابیات و عبارات زیر استعاره را بیابید و مشخص کنید که آن استعاره، کدام رکن باقی مانده از تشبیه است؟

(الف) بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایه بان دارد

بهار عارضش خطی به رنگ ارغوان دارد

حافظ

(ب) دلا تا کی در این زندان فریب این و آن بینی

یکی زین چاه ظلمانی برون شو تا جهان بینی

سنایی

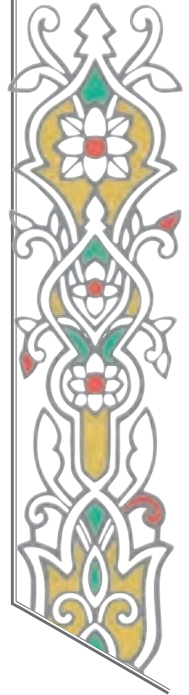
۵ در ابیات زیر عبارت کنایه را مشخص کنید و مفهوم کنایی آن را بنویسید.

(الف) به تیغم گر گُشد، دستش نگیرم وگر تیرم زند منت پذیرم

حافظ

(ب) یکی نغزبازی کند روزگار که بشاندت پیش آموزگار

فردوسی





۶ آرایه‌های تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه را در ابیات و عبارات زیر مشخص کنید:

(الف) داغ است دل لاله و نیلی است بر سرو کز باغ جهان لاله‌عداران همه رفتند

محمد تقی بهار

(ب) با آسمان مفاخره کردیم تا سحر او از ستاره دم زد و من از تو دم زدم

حسین منزوی

(پ) این نغمهٔ محبت بعد از من و تو ماند تا در زمانه باقی است آواز باد و باران

شفیعی کدکنی

(ت) الهی، عقل گوید: الحذر، الحذر؛ عشق گوید: العجل، العجل.

آیت‌اله حسن‌زاده آملی

(ث) از دیده‌گر سرشک چو باران چکد، رواست کاندر غمت چو برق بشد روزگار عمر

حافظ

(ج) روشنی روز تویی، شادی غم‌سوز تویی ماه شب‌افروز تویی، ابرشکر بار بیا

مولوی

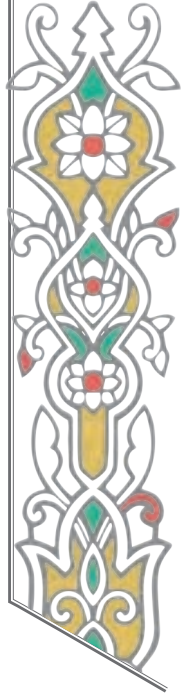
(چ) چون در این آیات تأمل کنند، بهار توحید از دل‌های ایشان سر برزند. درخت معرفت

به بار آید، چشمهٔ حکمت گشاید، یاسمین شوق بردهد.

کشف‌الاسرار میبدی

(ح) دلم شکستی و رفتی، خلاف شرط مودت به احتیاط رو اکنون که آبگینه شکستی

سعدی



خ تو قامت بلند تمنّایی ای درخت / همواره خفته‌است در آغوش آسمان / بالایی ای درخت

سیاوش کسرائی

د جهان را سر به سر آینه می‌دان / به هر یک ذره‌ای صد مهر تابان

شیخ محمود شبستری

ذ همگنان خاموش / گرد بر گردش به کردار صدف بر گرد مروارید.

اخوان ثالث

ر ای گل بوستان سرا، از پس پرده‌ها درآ / بوی تو می‌کشد مرا، وقت سحر به بوستان

صائب

ز پیداست از گلاب سرشکم که من چو گل / یک روز خنده کردم و عمری گریستم

شهریار

ژ موی سفید را فلکم رایگان نداد / این رشته را به نقد جوانی خریدهام

رهی معیری

۷ با خوانش درست ابیات، مرز پایه‌های آوایی آنها را مشخص کنید و هر پایه را در خانه خود قرار دهید:

الف اگر تو ز آموختن سر نتابی / بجوید سر تو همی سروری را

ناصر خسرو



(ب) در هوایت بی قرارم روز و شب سر ز پایت بر ندارم روز و شب مولانا

۸ با خوانش بیت‌ها، مرز پایه‌های آوایی را مشخص کنید، سپس خانه‌هایی به تعداد آنها طراحی نموده، هر پایه را در خانه خود جای دهید و وزن واژه آنها را بنویسید:

(الف) ز چشم شوخ تو جان کی توان برد که دائم با کمان اندر کمین است حافظ

(ب) نمیرم از این پس که من زنده‌ام که تخم سخن را پراکنده‌ام فردوسی

۹ با توجه به آهنگ بیت زیر، پایه‌های آوایی مناسب (غیر از واژه‌های بیت) را تولید کنید و آن را در جای خالی بنویسید:

نمی‌دانم بگو عشق تو از جانم چه می‌خواهد
چه می‌خواهد بگو عشق تو از جانم؟ نمی‌دانم

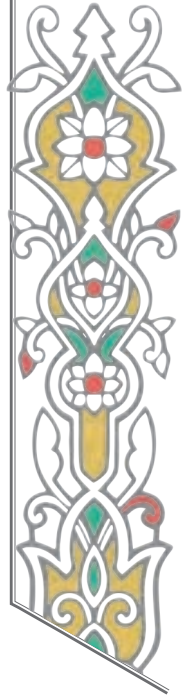
قیصر امین پور

چ می‌خاهد	بگو عشق	نمی‌دانم
نمی‌دانم

۱۰ بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن واژه و خوشه‌های هجایی هریک را در خانه‌ها قرار دهید:

(الف) بازآمدم بازآمدم، از پیش آن یارآمدم در من نگر، درمن نگر، بهر تو غمخوار آمدم

مولوی



				پایه‌های آوایی
				وزن واژه
				خوشه‌های هجایی

(ب) ای همه هستی ز تو پیدا شده خاک ضعیف از تو توانا شده **نظامی**

				پایه‌های آوایی
				وزن واژه
				خوشه‌های هجایی

۱۱ پایه‌های آوایی بیت‌های زیر را مشخص کنید و با ذکر دلیل بنویسید که چرا ابیات زیر دارای وزن همسان دولختی هستند؟

(الف) از نظرت کجارود، وربرود توهمرهی رفت و رهانمی کنی، آمد و ره نمی دهی

سعدی

(ب) اشک سحرزداید، از لوح دل سیاهی خرم کند چمن را، باران صبحگاهی

رهی معیری

۱۲ بیت‌هایی را که نظم همسان دولختی (دوری) دارند، مشخص کنید:

(الف) درسینه‌ام دوباره غمی جان گرفته است امشب دلم به یاد شهیدان گرفته است

سلمان هراتی



(ب) بسیار گنه کردیم، آن بود قضای تو شاید که به ما بخشی، از روی کرم آنها

سنایی

(پ) هر دم از این باغ بری می رسد تازه تر از تازه تری می رسد نظامی

۱۳ بیت‌های زیر را تقطیع هجایی کنید و مطابق جدول زیر، پایه‌های آوایی، وزن واژه و خوشه‌های هجایی آن را بنویسید:

(الف) دائم گل این بستان، شاداب نمی ماند دریا ب ضعیفان را در وقت توانایی

سعدی

(ب) هر نفس آواز عشق، می رسد از چپ و راست مابه فلک می رویم، عزم تماشا که راست

مولوی

(پ) غمناک نباید بود، از طعن حسودای دل شاید که چو وایینی، خیر تو در این باشد

حافظ

				پایه‌های آوایی
				وزن واژه
				خوشه‌های هجایی



نیایش

خداوندا، کیست که ساغر محبت از دست تو نوش کرد و حلقه بندگی دیگری در گوش کرد؟
خدایا، کدامین کهکشان بر گرد تو گشت و واله و حیران تو نگشت؟
معشوقا، کدامین انسان، پیشانی عشق بر خاک ربوبیت تو سایید و دل به دیگری سپرد؟
ای آرزوی دل‌های آرزومندان؛ ای اشتیاق مشتاقان؛ ای امید امیدواران؛ ای عشق عاشقان؛
آتش عشقت را در خرمن وجودم بیفکن، سبزینه محبتت را در برگ‌های به زردی گراییده وجودم بدوان.
خدایا، به من نگاهی ده که جز روی تو نتواند دید و گوشی که جز صدای تو نتواند شنید.



امام سجّاد (ع)

منابع

- آرایه‌های ادبی، هادی، روح‌الله، اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی، ۱۳۹۴.
- آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، سیروس، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۷۲.
- آموزش عروض و قافیه از دریچهٔ پرسش، هادی، روح‌الله، سمت، تهران، ۱۳۹۲.
- ادبیات فارسی (قافیه، عروض، سبک‌شناسی و نقد ادبی)، دورهٔ پیش‌دانشگاهی، وحیدیان کامیار، تقی، زرین کوب، عبدالحسین و زرین کوب، حمید، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی، ۱۳۹۴.
- الهی نامه، عطار نیشابوری، فردالذین، به تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران.
- بررسی اوزان شعر فارسی (عروض)، زمانیان، صدرالذین، انتشارات فکر روز، چاپ بنیاد جانبازان، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- بهارستان، جامی، عبدالرحمن، به کوشش اسماعیل حاکمی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۴.
- تاریخ ادبیات ایران، رضا زاده شفق، صادق، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۴۳.
- تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح‌الله، نشر فردوس، تهران، ۱۳۸۲.
- تاریخ ادبیات ایران و جهان (کتاب درسی وزارت آموزش و پرورش)، یاحقی، محمدرضا، اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی، ۱۳۹۴.
- حافظ‌نامه، خزمشاهی، بهاء‌الذین، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۲.
- حدیقه الحقیقه، سنایی، ابوالمجد مجدود بن آدم، به تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۹.
- خمسه نظامی، به تصحیح وحید دستگردی، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۳.
- در قلمرو زبان فارسی، وحیدیان کامیار، تقی، نشر محقق، مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- دیوان اشعار حافظ، شمس‌الذین محمد، تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، زوار، تهران، ۱۳۷۰.
- دیوان اشعار خاقانی شروانی، به کوشش ضیالذین سجادی، زوار، تهران، ۱۳۵۷.
- دیوان اشعار عطار نیشابوری، فردالذین، به کوشش تقی تفضلی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۶۶.
- دیوان اشعار منوچهری دامغانی، محمد دبیرسیاقی، نشر زوار، تهران، ۱۳۷۵.
- دیوان اشعار ناصر خسرو، به کوشش مهدی محقق، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۰.
- دیوان انوری، به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
- دیوان جامی، نورالذین عبدالرحمن، با مقدمه و اشرف محمد روشن، انتشارات نگاه، ۱۳۸۰.
- دیوان خاقانی، تصحیح ضیالذین سجادی، زوار، تهران، ۱۳۶۹.
- دیوان سنایی غزنوی، به سعی و اهتمام مدرس رضوی، انتشارات سنایی، تهران.
- دیوان شمس تبریزی، با مقدمه بدیع الزمان فروزانفر، حواشی و تعلیقات: م. درویش، انتشارات جاویدان، ۱۳۷۱.
- سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، بهار، محمدتقی، نشر زوار، تهران.
- سبک‌شناسی شعر، شمیسا، سیروس، نشر فردوس، تهران، ۱۳۷۴.
- سبک‌شناسی نثر، شمیسا، سیروس، نشر میترا، تهران، ۱۳۷۷.
- شاهنامه فردوسی، به کوشش سید محمد دبیرسیاقی، چاپ سوم، انتشارات علمی، ۱۳۶۱.
- عروض فارسی (نشیوه‌های نو برای آموزش عروض و قافیه)، ماهیار، عباس، نشر قطره، تهران، ۱۳۷۸.
- صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا، انتشارات آگاه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۶.
- فارسی عمومی، فتوحی، محمود، انتشارات سخن، تهران، چاپ چهل و پنجم، ۱۳۹۰.
- فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الذین، مؤسسه نشر هما، تهران، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۷.
- کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس، انتشارات فردوس، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۴.



- کلیات سعدی، سعدی شیرازی، ابوعبدالله شرف‌الدین صلح، به کوشش محمدعلی فروغی، عباس اقبال آشتیانی، نشر جاودان، تهران، ۱۳۷۱.
- کلیات دیوان وحشی باققی، با تصحیح محمد عباسی، ناشر فخر رازی، ۱۳۶۸.
- کلیات سوگنامه عاشورایی فدایی، فدایی مازندرانی، میرزا محمود، به کوشش فریدون اکبری نیلدره، انتشارات فرتاب، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۴.
- کلیله و دمنه، انشای ابوالمعالی نصرالله منشی، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهرانی، انتشارات امیرکبیر، ج بیست و پنجم، تهران، ۱۳۸۳.
- گنج سخن (شاعران بزرگ پارسی گوی و منتخب آثارشان)، صفا ذبیح الله، انتشارات ققنوس، تهران، چاپ ۱۳۷۴.
- گنجینه سخن (پارسی نویسان بزرگ و منتخب آثارشان)، صفا ذبیح الله، نشر امیرکبیر، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۳.
- مثنوی معنوی، مولوی، جلال الدین محمد، تصحیح نیکلسن، با مقدمه قدمعلی سزائی، انتشارات بهزاد، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- مجموعه آثار فخرالدین عراقی، به تصحیح و توضیح محتشم (خزاعی)، نسرین، انتشارات زوار، ۱۳۷۲.
- مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور، تهران، مروارید، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- موسیقی شعر، شفیع کدکنی، محمدرضا، نشر آگاه، تهران، ۱۳۶۸.
- نیایش نامه، برگزیده‌ای از نیایش‌های ادیان و فرهنگ‌ها، رضا باقریان، تهران مؤسسه فرهنگی دین - پژوهی بشره، ۱۳۷۸.
- وزن شعر فارسی، خاندلی، پرویز، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۷.
- وزن و قافیه شعر فارسی، وحیدیان کامیار، تقی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۴.
- موسیقی شعر، شفیع کدکنی، محمدرضا، نشر آگاه، تهران، ۱۳۶۸.

بسمه تعالی

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی، مشارکت معلمان را به عنوان سیاست اجرایی مهم دنبال می‌نماید. برای تحقق این امر با بهره‌مندی هوشمندانه از فرصت‌های فناوری‌های نوین در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی برخط اعتبارسنجی کتاب‌های نونگاشت راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نونگاشت کیفیت تولیدات سازمان را بهبود بخشیده و محتوای کتاب‌های درسی را در اولین چاپ بسیاری با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب فرآیند اعتبارسنجی همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی، گروه‌های آموزشی، دبیرخانه راهبری دروس در استان‌ها، شورای هماهنگی تألیف دفاتر، دبیرخانه پروژه اعتبارسنجی سازمان در هماهنگی و اجرا، نقش سازنده‌ای را داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش همکاران شرکت کننده در فرآیند اعتبارسنجی، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی را در این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌نماید.



محسن باهو

مشاور معاون وزیر و مدیر پروژه اعتبارسنجی

اسامی دبیران و هنرآموزان شرکت کننده در اعتبارسنجی کتاب علوم و فنون ادبی (۲) کد ۱۱۱۲۰۳

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	ناهید اشرفی	کردستان	۱۵	نصرت اله صادقلو	گلستان
۲	یعقوب پارسا	سیستان و بلوچستان	۱۶	بهیه احمدی بیدگلی	قم
۳	جمیله موسوی	شهرستان‌های تهران	۱۷	فاطمه چنانی	خوزستان
۴	محسن مردانی	فارس	۱۸	هادی حاتمی	همدان
۵	انتصار پرستگاری	همدان	۱۹	احمد رحیم خانی سامانی	چهارمحال و بختیاری
۶	بشیر علوی	بوشهر	۲۰	مریم فطرس	شهرستان‌های تهران
۷	طیبه قاسمی	هرمزگان	۲۱	علی‌اکبر اخوه	یزد
۸	زهرا علیزاده	آذربایجان شرقی	۲۲	بهروز عبیدی	ایلام
۹	زینب علوی	خراسان شمالی	۲۳	منصوره فکور زیبا	خراسان رضوی
۱۰	ولی زارع پیشه	فارس	۲۴	علیرضا احمدی	هرمزگان
۱۱	عبدالله زارعی	بوشهر	۲۵	بهرام تیموری	اصفهان
۱۲	بهروز بامدادی	آذربایجان شرقی	۲۶	محمدهادی فلاحتی زنده دل	گیلان
۱۳	خدیجه دشتی قره بلاغ	شهر تهران	۲۷	کوروش فلاحتی	کهگیلویه و بویراحمد
۱۴	مریم محمودی	خراسان جنوبی			

